



(مقاله پژوهشی)

بازکاوی موضوع تقوا در نهج البلاغه براساس اصول ادب

زهرا افزلی^{۱*}، سپیده عبدالکریمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵
(از ص ۱ تا ۱۹)

چکیده

تعامل به‌عنوان یک اصطلاح در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی مترادف با رابطه کلامی است که فهم گفتگو در آن مستلزم توجه به عوامل بیرونی و درونی است. ادب راهبردی مرتبط با تعامل است که در آن از وجهه افراد و حفظ یا تهدید وجهه آن‌ها طبق اصول خاصی سخن به میان می‌آید. با این تفاسیر آگاهی از چگونگی وجهه مخاطب در کنش‌های گفتاری با بررسی آن‌ها بر مبنای اصول ادب امکان‌پذیر است. بر همین اساس، در مقاله حاضر سخنان امام علی(ع) راجع به موضوع تقوا در نهج البلاغه محور پژوهش قرار گرفت و کنش‌های گفتاری موجود در آن بر مبنای اصول مذکور با روش توصیفی-تحلیلی موردبررسی واقع شد. این بررسی از آن جهت حائز اهمیت است که موضوع تقوا در کلام کسی که خود اسوه پرهیزکاران است، تاکنون با چنین رویکردی واکاوی نگردیده است. نتیجه پژوهش نشان داد که بیان مستقیم از بسامد بیشتری برخوردار است که این امر بیانگر وجود صراحت در کلام امام(ع) و انطباق میان کنش بیانی و کنش منظوری در بالاترین درصد از نمونه‌های موردبررسی است. با این حال، اختصاص یافتن شواهد زیاد به بیان مستقیم تأثیر منفی بر وجهه مخاطب نداشته است؛ چراکه عواملی چون شگردهای تلطیف‌کننده، صمیمیت و فاصله اجتماعی اندک، وجهه او را از تهدید حفظ کرده است.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، تعامل، ادب، نهج البلاغه، تقوا.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

زبان دارای کارکردی ارتباطی است که نقش اساسی در تعامل افراد جامعه و انتقال پیام آن‌ها به یکدیگر ایفا می‌کند. انتقال پیام از طریق زبان باید به شیوه‌ای خاص و با توجه به برخی اصول صورت گیرد تا پیام به درستی منتقل شود. این امر منجر به طرح اصولی با عنوان اصول ادب از سوی نظریه‌پردازان شده است. در هر یک از این اصول مؤلفه‌هایی مدنظر قرار گرفته و سبب تمایز آن‌ها گردیده است. مفهوم وجهه از جمله آن مؤلفه‌هاست که از طرف برخی همچون گافمن، براون و لوینسون و... در طرح اصول ادب مورد توجه واقع شده است. اصطلاح وجهه به معنی تصویر کلی هر فردی از خود است که به دو نوع سلبی و ایجابی تقسیم می‌شود و ممکن است تحت تأثیر عواملی از سوی دیگران حفظ شود یا در معرض خطر قرار گیرد. این اصطلاح مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده اصول ادب از دیدگاه افراد یادشده است. در پژوهش حاضر گزیده‌ای از سخنان امام علی(ع) که خود «اسوه اخلاق، ادب و نزاکت است» (نجفی ایوکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۲) با محوریت موضوع تقوا بر مبنای اصول ادب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. بیان مسئله

کتاب گران سنگ نهج البلاغه اثر شخصیتی والا، منحصر به فرد و جامع‌الاضداد است که کلامش از جنبه‌های مختلف در اوج و بنا به قولی «پس از کلام خدای متعال و پیامبر(ص) برترین و بلیغ‌ترین کلام است» (عبده، بی تا: ۱۲/۱). این کتاب بی‌بدیل که به عقیده برخی «فرا تر از سخن مخلوق و فرو تر از سخن خالق است» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵: ۸) در بردارنده مطالبی دسته‌بندی شده در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست. امام علی(ع) در این اثر ارزشمند از موضوعات گوناگون سخن به میان آورده و افراد مختلفی را مورد خطاب قرار داده است. تقوا در شمار این موضوعات است که به دلیل نمود یافتن در هر سه بخش کتاب نهج البلاغه؛ و برخوردار بودن از گستره مخاطب، موضوعی درخور بررسی براساس اصول ادب است؛ بنابراین، موضوع یادشده با روش توصیفی-تحلیلی در این مقاله واکاوی گردیده تا روشن شود که امام(ع) چگونه و با چه شیوه‌ای در بیاناتش دیگران را به تقوای خداوند فراخوانده است. در این راستا سعی بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود.

- ۱- بیان مستقیم چه تأثیری بر وجهه مخاطب نهاده است؟
- ۲- چه عواملی در بیان مستقیم باعث حفظ وجهه مخاطب شده است؟
- ۳- میزان انطباق و عدم انطباق شواهد کنش بیانی و کنش منظوری چقدر است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های بسیاری درباره نهج البلاغه از جنبه‌های مختلف صورت گرفته است این در حالی است که تعداد تحقیقات انجام شده براساس اصول ادب کم‌شمار است. از آنجایی که نهج-البلاغه متنی دینی است در این بخش ابتدا درباره برخی پژوهش‌های مرتبط با این دسته از متون که بر

مبنای اصول یادشده موردبررسی قرار گرفته‌اند، سخن به میان می‌آید و سپس به پژوهش‌های دیگری که با موضوع مقاله ارتباط دارند، اشاره می‌شود.

- «کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی از ادعیه شیعه» مهدی مقدسی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳)، مجله جستارهای زبانی، شماره ۵. در این مقاله سازوکارهای ادب‌ورزی براساس نظریه براون و لوینسون در منتخبی از دعاهاى شیعه واکاوی شده است.

- «بررسی شیوه‌های رعایت ادب در صحیفه سجادیه» حسین تک‌تبار و همکاران (۱۳۹۷)، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴۹. در این مقاله سازوکارهای رعایت ادب براساس نظریه ادب براون و لوینسون با توجه به دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در صحیفه سجادیه موردبررسی قرار گرفته است.

- «ادب گفتمان در قرآن: گفت‌وگوی موسی(ع) و فرعون در سوره اعراف» (مرضیه دهقان نیری و همکاران (۱۳۹۷)، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴). در این مقاله جلوه‌های ادب‌ورزی و بی‌ادبی در گفت‌وگوهای میان فرعون و موسی(ع) با تکیه بر نظریه ادب براون و لوینسون و نظریه بی‌ادبی کالپیر در سوره اعراف بررسی گردیده است.

- «مبدأ التآدب في عهد الإمام علي عليه السلام إلى مالك الأشتر رضي الله عنه قراءة تداولية» (حمید عبدالحمزه الفتلی (۲۰۱۷)، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد، شماره ۴). نویسنده در این مقاله به معرفی اصل ادب از دیدگاه گرایس و جستجوی ردپای آن در قرآن کریم و احادیث پیامبر و... پرداخته است. علاوه بر این از مراحل تحول این اصل از دیدگاه دیگر نظریه‌پردازان مثل لایکوف، لیچ، براون و لوینسون سخن به میان آورده و در پایان عهدنامه امام علی(ع) به مالک اشتر را براساس اصل ادب بررسی کرده است.

- «بررسی طرح‌واره‌ای استعاره‌های تقوا در خطبه‌های نهج‌البلاغه بر مبنای مدل ایوانز و گرین» (عارفه داوودی و همکاران (۱۳۹۹)، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱). در این مقاله مدل ایوانز و گرین (ازجمله زبان‌شناسان شناختی) مبنای کار پژوهش قرار گرفته و طرح‌واره‌های تصویری تقوا در نهج‌البلاغه براساس آن تحلیل گردیده است.

- «تحلیل معنایی درجات تقوا در نهج‌البلاغه» (حمید احمدیان و همکاران (۱۳۹۱)، مجله کاوشی نو در معارف قرآنی، شماره ۱) در این مقاله به تحلیل زبان‌شناختی درجات سه گانه تقوا یعنی تقوای عام، تقوای خاص و تقوای خاص‌الخاص در نهج‌البلاغه پرداخته شده است.

- «گونه‌های نزاهت در نهج‌البلاغه» (علی نجفی ایوکی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشنامه نهج‌البلاغه، شماره ۱۲) در این مقاله از نزاهت به‌عنوان اصطلاحی بلاغی سخن به میان آمده و گونه‌هایی از آن همچون کنایه، تجاهل‌العارف، ایجاز و غیره در نهج‌البلاغه موردبررسی واقع شده است.

اما آنچه درباره پیشینه پژوهش حاضر گفتنی به‌نظر می‌آید این است که طبق جست‌وجوی صورت گرفته هیچ‌گونه تحقیقی در این زمینه یافت نشد و اگرچه مقاله اخیر؛ یعنی «گونه‌های نزاهت در نهج‌البلاغه» با این مقاله قرابت موضوعی دارد؛ اما آن با رویکردی بلاغی تدوین شده است درحالی‌که

پژوهش حاضر براساس چارچوب خاصی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی صورت گرفته است؛ بنابراین موضوع پژوهش پیش‌رو موضوعی میان‌رشته‌ای و دارای رویکردی جدید است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

تقوا فضیلتی اخلاقی است که تبلور آن در رفتار و کردار انسان موجب توجه او به دیگر فضایل همچون صبر، خشوع و... می‌شود. آثار مثبت این فضیلت بیان‌گر اهمیتش در مقایسه با دیگر فضایل است. بدون شک بررسی آن در سخنان شخصیتی که خود مولای متقیان و اسوه پرهیزکاران است، اهمیتش را دوچندان می‌کند، به‌ویژه این‌که مبنای بررسی، اصول ادب است و موضوع تقوا تاکنون براساس آن مورد کاوش واقع نشده است.

۲. بحث

دسته‌بندی موضوعی کتاب نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که تقوا یکی از موضوعات اخلاقی است که شواهد زیادی در این کتاب دارد. این امر از سویی بیان‌گر توجه خاص امام(ع) به پرهیزکاری است و از سوی دیگر نشان‌گر تعداد بیشتر مخاطبان است که امام(ع) آن‌ها را به آن توصیه کرده است. با این توضیحات موضوع تقوا در سخنان امام(ع) از تعدد شاهد و مخاطب برخوردار است و این امر یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که باید برای بررسی کنش‌های گفتاری بر مبنای اصول ادب مدنظر قرار گیرد، بنابراین، موضوع مذکور با توجه به این معیار مورد بحث واقع شده است.

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

اصطلاح تعامل^۱ در زبان‌شناسی اجتماعی به‌طور عام و در زبان‌شناسی اجتماعی تعاملی به‌طور خاص، در معنی رابطه کلامی^۲ به کار می‌رود. رابطه کلامی واحد مورد مطالعه برای زبان گفتاری است. هنگامی که در گفتگو میان دو فرد جمله یا جمله‌هایی در قالب پاره‌گفتار^۳ ردوبدل می‌شوند، تولیدات گفتاری هر یک از دو طرف درگیر در گفتگو به‌عنوان واحدی برای مطالعه زبان گفتاری در نظر گرفته می‌شود (عبدالکریمی، ۱۳۹۶: ۲۲)؛ و طرفین گفت‌وگو از طریق مجموعه‌ای از حقوق و وظایف از ابتدای تعامل با هم مرتبط می‌شوند (کوتلاکی، ۱۳۹۷: ۳۷) در این صورت «گزینش شکل پیام و شیوه انتقال آن از سوی گوینده/ نویسنده نشان‌دهنده میزان اهمیتی است که وی برای حقوق مخاطب خود قائل است.» (عبدالکریمی، ۱۳۹۲: ۱۷۴) به‌عبارت‌دیگر «انتخاب‌های زبانی خاصی که یک گوینده انجام می‌دهد نشان‌دهنده رابطه اجتماعی است که فکر می‌کند میان او و شنونده یا شنوندگانش وجود دارد» (وارداف، ۱۳۹۳: ۴۱۳).

تعامل زبانی نوعی تعامل اجتماعی است (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۹) [و] برای فهم آنچه در تعامل گفته می‌شود، باید به عوامل گوناگونی که مربوط به دوری یا نزدیکی اجتماعی می‌شوند، توجه کنیم. پاره‌ای از

1. Interaction
2. Conversational interchange
3. Utterance

این عوامل پیش از بروز تعامل تثبیت می‌شوند و بنابراین بیشترشان بیرونی هستند. چنین عواملی معمولاً در بردارندهٔ موقعیت نسبی شرکت‌کنندگان هستند که خود مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی مربوط به اموری نظیر سن و نفوذ افراد است. با این‌همه، شرکت‌کنندگان دربارهٔ عوامل دیگری همچون درجهٔ تحمیل یا میزان دوستی در طی تعامل به توافق می‌رسند. این عوامل جنبه‌های درونی تعامل به‌شمار می‌آیند که بر اثر آن‌ها فاصلهٔ اجتماعی اولیه تغییر می‌یابد یا در طی تعامل کمتر یا بیشتر می‌شود (یول، ۱۳۹۶: ۸۲-۸۱). از مضمون مطالب مذکور برمی‌آید که تعامل به معنی رابطهٔ کلامی اصطلاحی در حوزهٔ زبان‌شناسی اجتماعی است و ارتباط گوینده و شنونده در یک گفت‌وگو براساس حقوق و وظایفی از آغاز آن برقرار می‌شود، این در حالی است که درک و فهم گفت‌وگو در آن (تعامل) منوط به موردتوجه قراردادن عوامل بیرونی و درونی است.

۲-۱-۱. ادب

مبحث وجهه و ادب به هنگام صحبت دربارهٔ تعامل برجسته می‌شود (عبدالکریمی، ۱۳۹۶: ۲۲) و در امر تعامل ادب را می‌توان به منزلهٔ شیوه‌ای دانست که برای نشان‌دادن آگاهی از وجههٔ فرد دیگر به‌کار گرفته می‌شود. به این مفهوم ادب می‌تواند در موقعیت‌هایی تحقق یابد که در آن‌ها دوری و نزدیکی از بُعد اجتماعی مطرح هستند. نشان‌دادن آگاهی از وجههٔ دیگری - هنگامی که از لحاظ فاصلهٔ اجتماعی دور است - اغلب در قالب احترام یا حرمت توصیف می‌شود. به همین ترتیب نشان‌دادن آگاهی هنگامی که فرد مقابل از لحاظ فاصلهٔ اجتماعی نزدیک است، اغلب در چهارچوب دوستی، رفاقت یا همبستگی توصیف می‌شود (یول، ۱۳۹۶: ۸۳-۸۲).

با تأمل در این عبارات می‌توان دریافت که مقولهٔ ادب یکی از مباحث مرتبط با تعامل است که کارکرد آن اعلام آگاهی از وجههٔ دیگران با در نظر گرفتن دوری و نزدیکی فاصلهٔ اجتماعی است. نکتهٔ مهم دیگری که در قول مذکور جلب‌توجه می‌کند مقولهٔ وجهه است که در ادامه به تعریف آن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۲. وجهه

بنابر قولی، وجهه عبارت است از: «تصویر ذهنی عام هر فرد از خود که انتظار می‌رود در ارتباط با جامعه این تصویر به رسمیت شناخته و حفظ شود» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۷). براساس قول دیگری وجهه «به معنی خودانگارهٔ عام یک شخص است و به آن جنبهٔ عاطفی و اجتماعی فرد دلالت دارد که هر شخصی داراست و انتظار دارد دیگران آن را به رسمیت بشناسند» (یول، ۱۳۹۶: ۸۲).

مقایسهٔ این دو تعریف از وجهه بیانگر تشابه آن‌ها در تصور کلی فرد از خود و انتظار او از دیگران در به‌رسمیت شناختن آن است، هرچند در تعریف دوم دربارهٔ جنبهٔ عاطفی و اجتماعی فرد نیز سخن به میان آمده است.

وجهه دارای دو نوع سلبی و ایجابی است. منظور از وجههٔ سلبی نیاز به مستقل بودن از دیگران و منظور از وجههٔ ایجابی نیاز به پیوند داشتن با آن‌هاست. به‌عبارت‌دیگر «نیاز شخص به استقلال، آزادی عمل و عدم تحمیل از جانب دیگران وجههٔ سلبی محسوب می‌شود. کلمهٔ سلبی [منفی] در این‌جا به معنی

ناخوشایند نیست؛ بلکه تنها قطب مخالف وجههٔ ایجابی [مثبت] است. [و اما] وجههٔ ایجابی یک شخص عبارت از نیاز اوست مبنی بر این که دیگران وی را بپذیرند و حتی تمایل داشته باشند او را عضو گروه خود بدانند و او خود بداند که دیگران نیز درخواست وی شریک هستند» (همان: ۸۴).

در جریان یک تعامل وجهه ممکن است به خطر بیفتد، از بین برود یا تقویت شود (کوتلاکی، ۱۳۹۷: ۳۸) در همین راستا «اگر گوینده مطلبی بگوید که انتظارات خودانگارهٔ شخص دیگر را تهدید کند آن عمل به منزلهٔ کنش تهدیدکنندهٔ وجهه توصیف می‌شود. از سوی دیگر، چنانچه عملی احتمالاً به منزلهٔ تهدید برای وجههٔ دیگری تعبیر شود، گوینده می‌تواند مطلبی بگوید که از میزان تهدید احتمالی کاسته شود، این نکته را کنش حافظ وجهه می‌نامند» (یول، ۱۳۹۶: ۸۴-۸۳).

هادسن^۱ (یکی از صاحب‌نظران زبان‌شناسی اجتماعی) که از وجههٔ مثبت تحت عنوان وجههٔ صمیمیت نام می‌برد و از وجههٔ منفی تحت عنوان وجههٔ قدرت یاد می‌کند، معتقد است اگر وجههٔ مثبت مورد تهدید واقع شود احساس خجالت‌زدگی و شرمندگی می‌کنیم [و] اگر وجههٔ منفی مورد تهدید واقع شود، احساس می‌کنیم به حریم شخصی ما تجاوز شده است. (هادسن، ۱۹۹۶: ۱۱۵)

به‌طور کلی از عبارات فوق‌الذکر استنتاج می‌شود که هر یک از افراد جامعه برخوردار از وجهه اعم از سلبی و ایجابی هستند و توقع دارند که دیگران آن را به رسمیت بشناسند هر چند ممکن است که این وجهه به‌وسیلهٔ آنان حفظ یا دچار خدشه شود.

۲-۱-۳. کنش‌های بیانی، منظوری و تأثیری

به هنگام تعامل اجتماعی کنش‌هایی انجام می‌شوند که عبارتند از کنش بیانی^۲؛ یعنی کنشی که از تولیدکنندهٔ یک پاره‌گفتار به‌عنوان کنشگر سر می‌زند و تولید متوالی واژه‌ها و یا جمله‌ها را شامل می‌شود، کنش منظوری^۳؛ یعنی قصد و هدفی که گوینده از تولید یک پاره‌گفتار دارد و کنش تأثیری یا پس‌بیانی^۴ که ویژهٔ مخاطب است و به واکنش احتمالی او در برابر آنچه از گوینده دریافت می‌دارد اطلاق می‌گردد. نکتهٔ حائز اهمیت آن است که در مواردی کنش بیانی و کنش منظوری بر هم منطبق هستند و گاهی انطباقی میان آن‌ها وجود ندارد. به‌عنوان مثال، هنگامی که در جلسه‌ای همراه با همکار خود نشستیم و ضرورت امضای یک برگه ما را متوجه کند که خودکار همراه نداریم ممکن است خطاب به همکار خود بگوییم «لطفاً خودکارت را بده تا من هم امضا کنم» یا ممکن است خطاب به وی بگوییم «نمی‌دانم چرا فراموش کردم خودکارم را همراه بیاورم». در مورد اول از بیان مستقیم^۵ استفاده کرده‌ایم و کنش بیانی ما بر کنش منظوری منطبق است، اما در مورد دوم از بیان غیرمستقیم^۶ استفاده کرده‌ایم و کنش بیانی بر کنش منظوری منطبق نیست، هر چند که در هر دو مورد کنش پس‌بیانی / تأثیری همکار یکسان خواهد

1. Hudson
2. Locutionary act
3. Illocutionary act
4. Perlocutionary act
5. On record
6. Off record

بود. بنا بر گفته صاحب‌نظران «هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم می‌نامند و هرگاه ارتباط بین ساختار و کارکرد غیرمستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیرمستقیم می‌نامند.» (یول، ۱۳۹۶: ۷۶). کاربرد بیان مستقیم یا بیان غیرمستقیم متأثر از عوامل گوناگونی همچون مرتبه اجتماعی، قدرت اجتماعی، فاصله اجتماعی و میزان صمیمیت و همبستگی است. معمولاً برای تعدیل و تلطیف نمودن بیان مستقیم جهت کاستن بار منفی جمله امری یا درخواستی از ابزارهای تلطیف‌کننده مانند لطفاً، اگر ممکنه، بی‌زحمت [و] خواهش می‌کنم استفاده می‌شود (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۳) که به این ابزارها شگردهای تلطیفی می‌گویند (یول، ۱۳۹۶: ۸۶).

برخی این شگردها را راهبرد حفظ ادب می‌نامند و معتقدند که «راهبرد حفظ ادب یا همان شگردهای تلطیف‌کننده نشان‌دهنده توجه به وجهه مخاطب است؛ به‌ویژه آنجا که وجهه ذاتاً در معرض مخاطره قرار می‌گیرد (میرحُف، ۲۰۰۶: ۳۱۳). برخی دیگر بر این باورند که شگردهای یاد شده «روش‌هایی برای تعامل با افراد هستند که جهت تأیید آن‌ها و ارزش‌گذاری انتظاراتشان به کار می‌روند (فَن‌هَرک، ۲۰۱۲: ۲۰۸). مطالب بیان‌شده درباره شگردهای تلطیفی بر این دلالت می‌کند که چنین شگردهایی از جمله شیوه‌های احترام به مخاطب در برقراری ارتباطی مؤدبانه با او و حفظ وجهه‌اش از تهدید هنگام به‌کارگیری بیان مستقیم از سوی گوینده به شمار می‌آیند.

از دیدگاه براون و لوینسون (نظریه‌پردازان حوزه ادب) کاربرد بیان مستقیم در برخی بافت‌های موقعیتی آنجا که ضرورت ایجاب کند، بلامانع است و موجب تهدید وجهه مخاطب نمی‌شود. موارد ذیل از آن جمله است.

- ۱- هنگام پدید آمدن یک موقعیت اضطراری (هنگام خطر کمک! [کن])
 - ۲- هنگام هشدار دادن (مراقب باش!)
 - ۳- هنگام خواهش / تمنا / التماس کردن (فقط یک هفته دیگر به من مهلت دهید)
 - ۴- هنگام خواهش احترام‌آمیز کردن (لطفاً مراتب تبریک مرا بپذیرید)
 - ۵- [هنگام] ابراز و جلب محبت (فراموشم نکن)
 - ۶- [هنگامی] که صمیمیت وجود دارد (مانند خطاب دوستی به دوست صمیمی‌اش در خیابان: گوشه کتات در شلوارت مانده است، بگذار درستش کنم) (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۱۰۰-۹۵)
- در صفحات پیشین مبانی نظری پژوهش تبیین گردید. در ادامه شواهد استخراج‌شده از سخنان امام علی(ع) راجع به موضوع تقوا در نهج‌البلاغه براساس آن تحلیل می‌شود.

۳. تحلیل شواهد

۳-۱. تحلیل کمی شواهد

به‌منظور دستیابی به شواهد مرتبط با موضوع تقوا در نهج‌البلاغه کتاب الدلیل علی موضوعات نهج‌البلاغه بررسی گردید و طبق بررسی صورت گرفته ۴۰ شاهد درباره موضوع تقوا از آن استخراج شد که از این

تعداد ۲۴ شاهد در خطبه‌های شماره ۶۲، ۸۱، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶ و ۱۰ شاهد در نامه‌های شماره ۱۲، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۲۰۲ و ۶ شاهد در حکمت‌های شماره ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۴۲، ۳۴۴، ۳۷۰، ۴۵۸ به کار رفته است. (انصاریان، ۱۳۷۵: ۹۳۸-۹۲۶).

قابل ذکر است که برخی از خطبه‌ها در بردارنده بیشتر از یک شاهد هستند که موارد ذیل از آن جمله است.

خطبه ۸۱ (۵ مورد)، خطبه ۱۱۲ (۲ مورد)، خطبه ۱۸۹ (۲ مورد)، خطبه ۱۹۶ (۲ مورد).

هر یک از شواهد با توجه به نوع کنش گفتاری، کاربرد یا عدم کاربرد افعال اجرایی صریح، کاربرد یا عدم کاربرد شگرد تلطیف‌کننده، نوع شگرد تلطیف‌کننده و نوع مخاطب دسته‌بندی گردید. در ادامه ابتدا تحلیلی کمی از شواهد با در نظر گرفتن این دسته‌بندی ارائه و سپس گزیده‌ای از آن‌ها با توجه به نوع مخاطب مورد تحلیل کیفی واقع می‌شود.

از ۴۰ کنش گفتاری، مورد بررسی در ۲۸ شاهد مخاطب عام و در ۱۰ شاهد مخاطب خاص و در ۲ شاهد مخاطب نامشخص است. دلیل نامشخص بودن مخاطب در آن ۲ شاهد این است که در حکمت ۴۵۸ - «وَ أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ» و نیز حکمت ۲۴۲ - «اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَ إِنْ قَلَّ» صیغه فعل مرتبط با موضوع تقوا مفرد است؛ بنابراین، می‌توان مخاطب را در دو جمله مذکور عام در نظر گرفت که هر خواننده‌ای مورد خطاب آن واقع شود، یا مخاطب را خاص دانست که اسناد تاریخی هویت او را مشخص نکرده است. از میان ۴۰ کنش گفتاری، ۳۷ مورد مستقیم و ۳ مورد غیرمستقیم است؛ بدین معنی که ۹۲/۵ درصد از کنش‌های گفتاری به کاررفته مستقیم و ۷/۵ درصد از آن‌ها غیرمستقیم هستند. با این توضیحات در ۹۲/۵ درصد از موارد کنش بیانی با کنش منظوری منطبق بوده است که این، خود نشانگر صراحت در کلام امام علی(ع) است. در میان ۳۷ کنش گفتاری مستقیم، ۱۳ کنش گفتاری در بردارنده افعال اجرایی صریح است به بیان دیگر در ۳۵/۱۳٪ از این کنش‌های گفتاری افعال اجرایی صریح به کار رفته است که این امر مبین تأکید بیشتر بر توصیه به تقوا از سوی امام(ع) در آن ۱۳ کنش گفتاری است. همچنین ۲۵ کنش گفتاری از ۳۷ کنش گفتاری مستقیم، شگرد تلطیف‌کننده دارند که این امر نشان می‌دهد در ۶۷/۵۶٪ از آن کنش‌های گفتاری چنین شگردهایی به کار گرفته شده است تا وجهه مخاطب از تهدید حفظ شود. در مجموع ۸ شگرد تلطیف‌کننده در آن ۲۵ کنش گفتاری یافت شد که عبارتند از: ۱- استدلال؛ ۲- ارائه پیشنهاد بر مبنای آموزه‌های قرآن؛ ۳- وعده نیک؛ ۴- برشمردن ویژگی‌های خدا؛ ۵- برشمردن نعمت‌های خدا؛ ۶- برشمردن حقوق خدا؛ ۷- ذکر مثال و ۸- هشدار. برشمردن ویژگی‌های خدا، برشمردن نعمت‌های خدا و برشمردن حقوق خدا را می‌توان نوعی استدلال به‌شمار آورد؛ هرچند موارد مذکور در این پژوهش برای تفکیک انواع شیوه‌های استدلال، به‌طور مجزا ذکر شده‌اند. استدلال که در ۱۲ شاهد کاربرد یافته در صدر شگردهای تلطیف‌کننده قرار دارد و پس از آن برشمردن ویژگی‌های خدا (۶ مورد)، وعده نیک (۵ مورد)، هشدار (۳ مورد)، ذکر مثال (۳ مورد)، برشمردن نعمت‌های خدا (۲ مورد)، ارائه

پیشنهاد بر مبنای آموزه‌های قرآن (۱ مورد) و برشمردن حقوق خدا (۱ مورد) در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. کاربرد استدلال در بیشتر شواهد بیانگر برخورداری آن از جایگاهی ویژه در کلام امام علی (ع) و توجه ایشان به عقلانیت و منطق است.

شگردهای یاد شده بیشتر در آن دسته از کنش‌های گفتاری به کار رفته است که مخاطب امام(ع) در آن‌ها عام است حال آنکه اکثر کنش‌های گفتاری ایبی که مخاطب در آن‌ها خاص است بی‌بهره از شگرد تلطیف‌کننده هستند با این وجود وجهه مخاطب در آن‌ها مورد تهدید قرار نگرفته است؛ زیرا مخاطب از نزدیکان امام علی (ع) بوده است و صمیمیت و فاصله اجتماعی اندک مانع خدشه‌دار شدن وجهه او گردیده است. علت عدم به کارگیری شگرد تلطیف‌کننده از سوی امام(ع) هنگام مخاطب قرار دادن نزدیکانش را می‌توان در میزان اهمیت باقی ماندن آن‌ها بر راه راست و ادامه مسیر حق و عدم انحراف از آن تا انجام مأموریت محول شده در این دنیا دانست.

هرچند وجهه مخاطب در بیشتر شواهد حفظ شده است؛ اما آن در شواهد محدودی به دلیل عملکرد نادرست او تهدید گردیده است و این بدان دلیل است که امام (ع) از اشتباه مخاطب خطاکار چشم‌پوشی نکرده است.

شایان ذکر است که به کارگیری هرگونه شگرد تلطیف‌کننده نوعی کنش حافظ وجهه به شمار می‌آید؛ از همین رو کنش‌های گفتاری که از شگرد تلطیف‌کننده برخوردار هستند، کنش حافظ وجهه نیز در آن‌ها به کار رفته است. گفتنی است که ۳ کنش گفتاری غیرمستقیم موجود در شواهد نیازی به کاربرد کنش حافظ وجهه نداشته است؛ زیرا بیان غیرمستقیم، خود، نوعی شگرد تلطیف‌کننده و کنش حافظ وجهه محسوب می‌شود.

۲-۳. تحلیل کیفی گزیده‌ای از شواهد با توجه به نوع مخاطب

در صفحات پیشین چگونگی کاربرد شواهد مرتبط با موضوع تقوا در نهج البلاغه از جنبه کمی بر مبنای اصول ادب تحلیل و به نتایج آن اشاره شد. در این بخش همه شواهدی که مخاطب در آن‌ها خاص است و تعدادی از شواهدی که مخاطب در آن‌ها عام است مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲-۳. مخاطبان عام

قبلاً گفته شد که در ۲۸ شاهد مورد بررسی مخاطب عام و کنش گفتاری در ۲۵ شاهد از آن‌ها مستقیم و در ۳ شاهد غیرمستقیم است. علاوه بر این مشخص شد که به‌طور کلی ۸ شگرد تلطیف‌کننده در تعدادی از کنش‌های گفتاری مستقیم کاربرد یافته است. همچنین روشن شد برخی از کنش‌های گفتاری مستقیم فاقد شگرد تلطیف‌کننده و کنش‌های گفتاری غیرمستقیم بی‌نیاز از به کارگیری آن شگردها هستند؛ بنابراین، از ۲۸ شاهد مذکور ۸ شاهد برای کنش‌های گفتاری مستقیم دارای شگرد تلطیف‌کننده با توجه به تعداد شگردهای هشتگانه و ۱ شاهد برای کنش‌های گفتاری مستقیم بدون شگرد تلطیف‌کننده و ۱ شاهد برای کنش‌های گفتاری غیرمستقیم واکاوی می‌گردد.

۳-۲-۱. کنش‌های گفتاری مستقیم با توجه به تعداد شگردهای تلطیف‌کننده

۳-۲-۱-۱. ارائه پیشنهاد بر مبنای آموزه‌های قرآن

ارائه پیشنهاد بر مبنای آموزه‌های قرآن یکی از شگردهای تلطیف‌کننده است که به منظور یادآوری دستورات خداوند به کار می‌رود، دستوراتی که عمل به آن‌ها منجر به سعادت دنیوی و اخروی انسان می‌گردد. یادآوری عاقبت خیر در پی عمل به دستورات خداوند کلام را تلطیف می‌نماید؛ اگرچه به شکل امر به مخاطب القا شود. کلام امام (ع) در خطبه ۶۲ بیانگر این امر است هنگامی که فرموده است:

«وَ اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ، وَ بَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ ابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ» (خطبه/۶۲).

و [ای] بندگان خدا از خدا بترسید و با اعمالتان بر مرگتان پیشی بگیرید و بخرید آنچه را که برای شما باقی می‌ماند [به جای] آنچه که از [دست] شما می‌رود.

در این خطبه بندگان خداوند با کنش گفتاری مستقیم (فعل امر اتَّقُوا) مورد خطاب قرار گرفته‌اند و با وجود اینکه امام (ع) به طور مستقیم آن‌ها را امر به ترس از خدا نموده اما طبق آموزه‌های قرآن به ایشان پیشنهاد کرده که قبل از فرارسیدن مرگ به انجام اعمال نیک پردازند و آنچه را که جاودانه است به جای آنچه را که فناپذیر است برگزینند. در واقع این شگردی تلطیف‌کننده است که با هدایت مخاطب به عملی کردن دستورات خدای سبحان که فرجام خوشایندی در پی دارد، وجهه او را از مخدوش شدن مصون نموده است.

۳-۲-۱-۲. استدلال

استدلال را از این رو می‌توان شگرد تلطیف‌کننده به شمار آورد که ارائه دلیلی برای درخواست گوینده از مخاطب است؛ بنابراین اگر درخواستی با استدلال همراه شود، از تهدید وجهه مخاطب جلوگیری می‌کند. شگرد یاد شده در خطبه ۱۷۱ نمود یافته و این در حالی است که درخواست امام (ع) از مخاطبان یعنی بندگان خدا با فعل مضارع «أوصيكم» که از جهت کنش بیانی غیرامری، اما از جهت کنش منظوری امری است، بیان شده است، آنجا که امام (ع) خطاب به آن‌ها فرموده است:

«أوصيكم عباد الله بتقوى الله فإنها خير مما تَوَصَّى العبادُ به.» (خطبه/۱۷۱)

[ای] بندگان خدا شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم؛ زیرا آن بهترین چیزی است که بندگان به آن توصیه شده‌اند.

امام (ع) در این شاهد بندگان خدا را با کنش گفتاری مستقیم (فعل مضارع أوصيكم) به تقوا توصیه کرده و پس از آن در عبارت «فإنها خير مما تَوَصَّى العبادُ به» برای توصیه به تقوا دلیل آورده است و به دیگر سخن استدلال نموده و این استدلال را به عنوان شگردی تلطیف‌کننده به کار گرفته است که همین امر سبب شده وجهه مخاطب با وجود کنش گفتاری مستقیم در معرض تهدید قرار نگیرد.

۳-۲-۱-۱-۳. استدلال و وعده نیک

علت کاربرد استدلال به‌عنوان شگرد تلطیف‌کننده تبیین شد؛ اما وعده نیک از این جهت در زمره شگردهای تلطیف‌کننده قرار می‌گیرد که به‌عنوان پاداش در قبال عمل نیک کارکردی انگیزشی دارد. به علت اینکه راهکاری قانع‌کننده و انگیزه‌ای برای مخاطب جهت موافقت با درخواست گوینده است؛ بنابراین استدلال و وعده نیک نیز از جمله شگردهای تلطیف‌کننده هستند که در خطبه ۱۵۹ به‌کار رفته‌اند، هنگامی که امام (ع) در توصیه‌بندگان خدا به تقوا با فعل مضارع «أَوْصِيكُمْ» که از جهت کنش بیانی غیرامری اما از جهت کنش منظوری امری است، آن‌ها را مورد خطاب قرار داده و این چنین گفته است.

«أَوْصِيكُمْ، عِبَادَ اللَّهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ، فَإِنَّهَا... الْمُنْجَاةُ أَبَدًا» (خطبه/۱۵۹).

[ای] بندگان خدا شما را به تقوای خدا و اطاعت از او سفارش می‌کنم؛ زیرا آن همیشه [مایه] نجات است. در این خطبه نیز مانند خطبه ۱۷۱ بندگان خدا مخاطب امام (ع) هستند که با کنش گفتاری مستقیم (فعل مضارع أَوْصِيكُمْ) به تقوا توصیه شده‌اند. پس از این در عبارت «فَإِنَّهَا... الْمُنْجَاةُ أَبَدًا» هم از دلیل سفارش به تقوا و هم از وعده نیک؛ یعنی نجات همیشگی سخن به میان آمده است. این امر که موجب ایجاد انگیزه در مخاطب برای به‌کارگیری توصیه‌ی امام (ع) می‌شود، شگردی تلطیف‌کننده به شمار می‌آید که وجهه مخاطب را حفظ می‌کند.

۳-۲-۱-۱-۴. برشمردن ویژگی‌های خدا

برشمردن ویژگی‌های خدا به این دلیل شگرد تلطیف‌کننده تلقی می‌شود که توجیهی منطقی برای متقاعد کردن مخاطب به‌منظور اجابت درخواست گوینده است؛ زیرا منجر به آگاهی بیشتر مخاطب از مقام و منزلت خدای متعال می‌گردد که باید در برابر او سر تسلیم فرود آورد. چنین شگردی را در حکمت ۲۰۳ می‌بینیم.

«أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنْ قُلْتُمْ سَمِعَ، وَ إِنْ أَصْمَرْتُمْ عَلِمَ» (حکمت/۲۰۳).

ای مردم بترسید از خدایی که اگر [سخنی] بگویید می‌شنود و اگر [چیزی] را پنهان کنید می‌داند (آگاهی می‌یابد).

امام (ع) در این حکمت مردم را با کنش گفتاری مستقیم (فعل امر اتَّقُوا) مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را به ترس از خدا امر کرده سپس در عبارت «الَّذِي إِنْ قُلْتُمْ سَمِعَ، وَ إِنْ أَصْمَرْتُمْ عَلِمَ» دو صفت از صفات خداوند متعال؛ یعنی سمیع و علیم را برشمرده است. این موضوع که سبب اطلاع مخاطب از جایگاه خداوند بلندمرتبه و اقتناع او برای اطاعت از امر امام (ع) می‌شود، به‌عنوان شگرد تلطیف‌کننده وجهه مخاطب را محفوظ می‌دارد.

۳-۲-۱-۱-۵. برشمردن نعمت‌های خدا

برشمردن نعمت‌های خدا هم از جمله شگردهایی برای تلطیف کلام است؛ زیرا مخاطب از طریق آن دینی بر گردن خود احساس می‌کند و به واسطه آن الزام برای تحقق درخواست گوینده را درک می‌نماید. این

شگرد در خطبه ۱۸۰ کار برد یافته است آنجا که امام (ع) خطاب به بندگان خدا با فعل مضارع «أوصيكم» که از جهت کنش بیانی غیرامری اما از جهت کنش منظوری امری است، فرموده است. «أوصيكم عباد الله يتقوا لله الذي ألبسكم الرِّياشَ، وَ أَسْبَعِ عَلَيْكُمُ الْمَعَاشَ» (خطبه/۱۸۰). [ای] بندگان خدا شمارا به تقوای خدایی سفارش می‌کنم که به شما لباس فاخر پوشاند و رزق و روزی کامل به شما عطا کرد.

توصیه بندگان خدا به تقوا از سوی امام(ع) در این خطبه با کنش گفتاری مستقیم (فعل مضارع أوصيكم) صورت پذیرفته است. این در حالی است که عبارت «الَّذِي أَلْبَسَكُمْ الرِّياشَ، وَ أَسْبَعِ عَلَيْكُمُ الْمَعَاشَ» به‌عنوان شگرد تلطیف‌کننده موجب حفظ وجهه مخاطب گردیده است؛ زیرا در این عبارت از عطا کردن دو نعمت خدا به بندگان؛ یعنی پوشش و رزق و روزی سخن به میان آمده که باعث ایجاد احساس دین مخاطب نسبت به خدا و پابندی او به پذیرش توصیه امام(ع) می‌شود.

۳-۲-۱-۶. استدلال و برشمردن حقوق خدا

پیشتر درباره علت قرار گرفتن استدلال در ردیف شگردهای تلطیفی سخن به میان آمد و اما برشمردن حقوق خدا نیز که جزء شگردهای تلطیف‌کننده به حساب می‌آید به این دلیل است که یادآور نعمت‌های اعطا شده به انسان از سوی خدای سبحان است و حقی را بر گردن او ایجاد می‌کند؛ از همین رو اگر گوینده با بیان مستقیم و در قالب امر حق خدا را به مخاطب متذکر شود نه تنها وجهه‌اش را خدشه‌دار نمی‌کند بلکه تذکر او موجب توجه و عنایت مخاطب به کلامش و قدردانی او از پروردگار می‌گردد. این شگرد همراه با استدلال در خطبه ۱۸۹ موجب تلطیف کلام امام(ع) شده است هنگامی که امام(ع) در توصیه بندگان خدا به تقوا با فعل مضارع «أوصيكم» که از جهت کنش بیانی غیرامری اما از جهت کنش منظوری امری است، با آن‌ها این‌گونه سخن گفته است.

«أوصيكم عباد الله! يتقوا لله فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (خطبه/۱۸۹).

[ای] بندگان خدا شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم؛ زیرا آن حق خدا بر [گردن] شماست.

در این خطبه نیز از توصیه بندگان خدا به تقوا با کنش گفتاری مستقیم (فعل مضارع أوصيكم) سخن به میان آمده است و عبارت «فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» از سویی دربردارنده استدلال و یا همان ذکر دلیل سفارش بندگان به تقواست و از سوی دیگر بیانگر حق خدا بر گردن بندگان است و این شگردی تلطیفی است که با آگاه کردن مخاطب از وظیفه حق‌شناسی در برابر خدای متعال و تحریک او برای قبول توصیه امام(ع) به‌عنوان کنش حافظ وجهه‌اش در خطبه مذکور استعمال شده است.

۳-۲-۱-۷. ذکر مثال

ذکر مثال از این جهت شگردی تلطیف‌کننده محسوب می‌شود که موقعیتی فرضی یا واقعی اما دور از مخاطب را ترسیم می‌نماید و جهت آگاه کردن او سودمند واقع می‌شود و نقشی ترغیبی برای تحقق

درخواست گوینده ایفا می‌کند. این شگرد در خطبه ۸۱ تبلور یافته است آنجا که امام(ع) در آن فرموده است.

«فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِّنْ سَمِعِ فَخَشَعٌ، وَ افْتَرَفَ فَاَعْتَرَفَ، وَ وَجَلَ فَعَمِلَ.» (خطبه/۸۱).

پس از خدا بترسید ترس کسی که گوش سپرد (شنید) آنگاه فروتنی کرد و مرتکب [گناه] شد آنگاه اعتراف کرد و ترسید آنگاه عمل کرد.

امام(ع) در این خطبه با کنش گفتاری مستقیم(فعل امر اتَّقُوا) به ترس از خدا دستور داده درحالی که آثار مثبت چنین ترسی را با ذکر مثالی به‌مثابه شگرد تلطیف‌کننده در عبارت «تَقِيَّةً مِّنْ سَمِعِ فَخَشَعٌ، وَ افْتَرَفَ فَاَعْتَرَفَ، وَ وَجَلَ فَعَمِلَ» تبیین کرده است. این شگرد که موجب اطلاع مخاطب از نتیجه‌بخش بودن تقوا و برانگیختن او در پیروی از دستور امام(ع) می‌گردد، وجهه‌اش را از تهدید حفظ نموده است.

۳-۲-۱-۱-۸. هشدار

هشدار به این سبب در شمار شگردهای تلطیف‌کننده است که کاربرد آن از سوی گوینده نشانگر دلسوزی او نسبت به مخاطب جهت در امان ماندن وی از خطر است؛ بنابراین اگر گوینده با بیان مستقیم مخاطب را به انجام کاری امر نماید و به او هشدار دهد، هشدار باعث کاهش بار منفی امر می‌شود و وجهه مخاطب را از خطر تهدید مصون می‌دارد. این شگرد تلطیف‌کننده در کلام امام(ع) متجلی شده است؛ همان‌گونه که در حکمت ۳۴۴ ملاحظه می‌کنیم.

«مَعَايِرَ النَّاسِ، اتَّقُوا اللَّهَ، فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ، وَ بَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ، وَ جَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ، وَ لَعْلَهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ، وَ مِنْ حَقِّ مَنَعَهُ، أَصَابَهُ حَرَامًا، وَ اِحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا... وَ قَدِمَ عَلَى رَيْبِهِ، آسِفًا لَاهِفًا، قَدْ «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (حکمت/ ۳۴۴).

[ای] گروه‌های مردم از خدا بترسید، بسا آرزومندی که به آن [آرزویش] نرسید و سازنده‌ای که در آن [منزل] ساکن نشد و جمع‌کننده‌ای که آن را [آن مال] را ترک خواهد کرد و شاید [مال] بیهوده‌ای که آن را جمع کرده باشد و حقی که مانع آن شده و [به] حرام آن را به دست آورده و به وسیله آن متحمل گناه شده باشد و متأسف و غمگین بر خدایش وارد شده باشد [به تحقیق] در دنیا و آخرت خسارت دید، آن، همان خسارت آشکار است.

در این حکمت مخاطبان امام(ع) گروه‌های مردم هستند که با کنش گفتاری مستقیم (فعل امر اتَّقُوا) به ترس از خدا امر شده‌اند و با وجود مستقیم بودن کنش گفتاری و به‌کارگیری فعل امر مورد اهانت قرار نگرفته‌اند؛ چون توضیحی در قالب هشدار پس از امر به ترس از خدا ارائه شده و سبب آگاهی آن‌ها در پرهیز از انجام اعمال بیهوده و زیانبار گردیده است. به‌بیان دیگر، اگرچه کنش گفتاری مستقیم است؛ اما قول امام(ع) در عبارات «فَكَمْ مِنْ مُؤْمِلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ، وَ بَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ، وَ جَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ، وَ لَعْلَهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ، وَ مِنْ حَقِّ مَنَعَهُ، أَصَابَهُ حَرَامًا، وَ اِحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا... وَ قَدِمَ عَلَى رَيْبِهِ، آسِفًا لَاهِفًا، قَدْ «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» که نشانگر هشدار به‌عنوان شگردی تلطیفی است، وجهه مخاطب را از

خداشمار شدن حفظ نموده است به‌ویژه اینکه امام(ع) قول خود را در عبارت پایانی با آیه ۱۱ از سوره حج زینت بخشیده است.

۳-۲-۱-۲. کنش گفتاری مستقیم بدون شگرد تلطیف‌کننده

در میان شواهد، برخی از کنش‌های گفتاری مستقیم شگرد تلطیف‌کننده‌ای برای حفظ وجهه مخاطب ندارند. قول امام(ع) در خطبه ۱۹۴ یکی از مصادیق این نوع کنش گفتاری است، آنجا که فرموده است.

«أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ، بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ أَحْذِرْكُمْ الدُّنْيَا» (خطبه/۱۹۴).

[ای] بندگان خدا شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم و از دنیا بر حذر می‌دارم.

کلام امام(ع) در این خطبه بیانگر توصیه بندگان خدا به تقوا با کنش گفتاری مستقیم (فعل مضارع أُوصِيكُمْ) بدون شگرد تلطیفی است. فعل أَحْذِرْكُمْ در جمله بعدی معطوف به فعل أُوصِيكُمْ است که شگرد تلطیف‌کننده محسوب نمی‌شود.

۳-۲-۱-۳. کنش گفتاری غیرمستقیم

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ۳ شاهد از شواهد موردبررسی دربردارنده کنش گفتاری غیرمستقیم است که شگرد تلطیف‌کننده همراه با آن‌ها استعمال نشده است. عدم به‌کارگرفتن شگرد تلطیف‌کننده همراه با کنش گفتاری غیرمستقیم به این دلیل است که وجهه مخاطب در آن تهدید نمی‌شود. خطبه ۱۵۵ در عبارت ذیل مبین این امر است.

«اعْلَمُوا، عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ، وَ الْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ» (خطبه/۱۵۵).

[ای] بندگان خدا بدانید که تقوا مقر دژی مستحکم و فجور (هرزگی) مقر دژی سست است.

امام(ع) در این خطبه بندگان خدا را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را از این امر آگاه نموده که تقوا مقر دژی مستحکم است درحالی‌که فعل امر یا مضارع را در قالب بیان مستقیم به‌کار نگرفته و بعد از توصیف تقوا از شگرد تلطیف‌کننده استفاده نموده است و از آنجایی که عبارت «أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ» کنش گفتاری غیرمستقیم است تهدیدی در آن برای وجهه مخاطب وجود ندارد؛ از همین رو فاقد شگرد تلطیف‌کننده است.

۳-۲-۲. مخاطبان خاص

چنانکه پیشتر اشاره شد مخاطب در ۱۰ شاهد از شواهد مرتبط با موضوع تقوا خاص است که در ادامه هر یک به‌طور جداگانه موردبررسی قرار می‌گیرند. قابل‌ذکر است که ۳ شاهد از شواهد مذکور مختص معاویه است و فقط به بررسی ۱ شاهد از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۲-۲-۱. امام حسن(ع)

امام حسن(ع) از جمله مخاطبان خاص امام علی(ع) است که در بخشی از نامه ۳۱ نهج‌البلاغه با قول ذیل به تقوا سفارش شده است.

«فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ» (نامه/۳۱).

پس همانا تو را به تقوای خدا و مداومت بر امرش سفارش می‌کنم.

امام علی(ع) در نامه مذکور با کنش گفتاری مستقیم (فعل مضارع أُوصِيكَ) فرزند بزرگوار خود امام حسن(ع) را بدون به کارگیری هیچ شگرد تلطیف کننده‌ای به تقوای الهی فرا خوانده است. با این وجود وجهه امام حسن(ع) در معرض تهدید قرار نگرفته است؛ زیرا ایشان از نزدیکان امام(ع) بوده است و صمیمیت و فاصله اجتماعی اندک مانع این امر شده است.

۳-۲-۲-۲. اصحاب امام(ع)

اصحاب امام(ع) از دیگر مخاطبان خاص ایشان هستند که او آن‌ها را در خطبه ۲۰۲ به تقوا دعوت نموده و این چنین فرموده است.

«فَقَطِّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهِرُوا بِرَّادِ التَّقْوَى» (خطبه/۲۰۲).

پس دل‌بستگی به دنیا را قطع کنید و از توشه تقوا یاری طلبید.

امام(ع) در این خطبه با عبارت «اسْتَظْهِرُوا بِرَّادِ التَّقْوَى» و کنش گفتاری مستقیم (فعل امر اسْتَظْهِرُوا) از اصحابش خواسته که از تقوا یاری طلبند. این درخواست هیچ شگرد تلطیف کننده‌ای را در پی نداشته است و کنش گفتاری مستقیم به دلیل وجود صمیمیت بین گوینده و مخاطب منجر به تهدید وجهه مخاطب نشده است.

۳-۲-۲-۳. مالک اشتر

مالک بن حارث بن عبد یغوث نخعی معروف به اشتر [که] جاهلیت را درک کرد [و] در کوفه ساکن شد (امینی، ۱۳۵۹: ۳۹) نیز در زمره مخاطبان خاص امام علی(ع) است. او «از شجاعان تابعین و از اخص اصحاب حضرت امیرالمؤمنین است [که] در جنگ یرموک و جمل و صفین شرکت کرد. حضرت امیر در نامه‌ای که به اهل مصر می‌نویسد از او چنین یاد می‌کند: «من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزگار ترس به خواب نرود و از مقابله با دشمنان خدا از ترس شکست، گام پس نهد، او شجاع‌ترین بندگان خداست و در حسب از همه گرامی‌تر و بر ناپکاران از آتش گدازنده‌تر و از پلیدی و ننگ از همه دورتر است. او حارث اشتر است نه ضرب دستش سست است و نه شمشیرش کند» (بابایی آملی، بی‌تا: ۲۷۱) امام(ع) نامه ۵۳ نهج البلاغه را که بنا به قولی «طولانی‌ترین عهدنامه است» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۳۰/۱۷) برای مالک نوشته و در فرازی از آن او را چنین به تقوا فراخوانده است.

«وَ الصَّقِّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدِّقِ» (نامه/۵۳).

و به اهل تقوا و راستی بپیوند.

امام(ع) جهت فراخواندن مالک به تقوا در عبارت «الصَّقِّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ» با کنش گفتاری مستقیم (فعل امر الصَّقِّ) بدون شگرد تلطیف کننده به او امر نموده که ملازم پرهیزکاران گردد. علی‌رغم اینکه مالک جزء یاران خاص امام(ع) است و فاصله اجتماعی بین آن‌ها چندان محسوس نیست؛ اما در کلام ایشان خطاب به او صراحت مشهود است. با این حال وجهه مالک به عنوان مخاطب به دلیل وجود صمیمیت بین آن‌ها دچار خدشه نشده است.

۳-۲-۴. شریح بن هانی

ابوالمقدم شریح بن هانی [که] از اصحاب وفادار و با صفای [امام] علی(ع) بود (امینی، ۱۳۵۹: ۲۶) نیز از مخاطبان خاص اوست. او «در دوره جاهلی اسلام را درک کرد [و] در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان با آن حضرت بود» (بابایی آملی، بی‌تا: ۲۷۵).

امام(ع) هنگامی که شریح را در صف مقدم [لشکرش] به سوی شام قرار داد (عبده، بی‌تا: ۱۲۴/۳) نامه ۵۶ نهج البلاغه را برای او نوشت و در اثنای نامه وی را به تقوا امر کرد و فرمود: «اتَّقِ اللَّهَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ، وَ خَفْ عَلَيَّ نَفْسِكَ الدُّنْيَا الْغُرُورُ» (نامه/۵۶). در هر صبح و شب از خدا بترس و از دنیای فریبنده نسبت به خود بیمناک باش.

همان‌طور که در این عبارت می‌بینیم دستور امام(ع) به خداترسی شریح با کنش گفتاری مستقیم (فعل امر اتَّقِ) بدون شگرد تلطیف‌کننده است. این در حالی است که کنش گفتاری مستقیم امام(ع) با وجود قدرت اجتماعی او و وجهه شریح را به‌عنوان مخاطب در معرض تهدید قرار نداده است؛ چراکه صمیمیت‌گوینده و مخاطب مانع این امر شده است.

۳-۲-۵. معقل بن قیس ریاحی

مخاطب خاص دیگری که امام(ع) او را به ترس از خدا امر کرده معقل بن قیس ریاحی است. او «از جنگاوران بی‌باک کوفه و از سخنوران چیره‌دست آن دیار و از سرداران سپاه امام علی و امام حسن علیهما السلام بود» (بابایی آملی، بی‌تا: ۵۲۸) [که] در نبردها از جمله در جنگ صفین شرکت داشت (امینی، ۱۳۵۹: ۴۴).

امام(ع) نامه ۱۲ نهج البلاغه را برای معقل نوشت «هنگامی که او را با سه هزار [نفر] به سوی شام فرستاد» (عبده، بی‌تا، ج ۳: ۱۵) و وی را در این نامه به پرهیزکاری فراخواند و چنین فرمود: «اتَّقِ اللَّهَ الَّذِي لَا بُدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ، وَ لَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ» (نامه/۱۲).

بترس از خدایی که ناچار به دیدار با او هستی و پایانی به‌جز [رفتن نزد] او نداری. این عبارت بیانگر آن است که امام(ع) معقل بن قیس ریاحی را با کنش گفتاری مستقیم (فعل امر اتَّقِ) به ترس از خدا فرمان داده است؛ ضمن اینکه عبارت «لَا بُدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ، وَ لَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ» را نیز به‌عنوان شگرد تلطیف‌کننده به‌کار برده است. این شگرد تلطیفی که سبب حفظ وجهه مخاطب می‌شود برگرفته از آموزه‌های قرآن در مضمون آیاتی است که بر بازگشت انسان به سوی خدا دلالت می‌کنند.

۳-۲-۶. مأمور [جمع آوری] صدقات (خیرات)

علاوه بر موارد پیشین که به‌عنوان مخاطبان خاص امام(ع) از آن‌ها سخن به میان آمد باید به مأمور [جمع آوری] صدقات نیز اشاره کرد. امام(ع) نامه ۲۵ را به او اختصاص داده و او را این‌گونه به تقوای خدا امر نموده است.

«إِنطَلِقْ عَلَيَّ تَقْوَى اللَّهِ وَخُدَّةً لَا شَرِيكَ لَهُ» (نامه/۲۵).

[در مسیر] تقوای خدای یگانه بی شریک حرکت کن (عزیمت کن).

آن طور که ملاحظه می‌شود کنش گفتاری امام(ع) در دستور دادن به این مأمور برای پیشه کردن تقوا نیز، مستقیم، در عبارت «انطلق علی تقوی الله» از طریق فعل امر انطلق و با شگردی تلطیفی است که در آن ویژگی‌های خدای متعال از قبیل یگانگی و بدون شریک بودن او برشمرده شده است؛ از همین رو وجهه مخاطب با این شگرد تلطیفی از تهدید مصون گردیده است.

۳-۲-۲-۷. یکی از کارگزاران امام(ع)

یکی از کارگزاران امام(ع) هم در جمع مخاطبان خاص او به چشم می‌خورد. او در نامه ۴۱ مورد خطاب امام(ع) واقع شده و از سوی او به ترس از خدا امر گردیده است. عبارات ذیل گواه این ادعاست.

«أَيُّهَا الْمَعْدُودُ كَانَ عِنْدَنَا مِنْ ذَوِي الْأَلْبَابِ، كَيْفَ تُسِيغُ... طَعَامًا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْكُلُ حَرَامًا، ...؟ وَ تَبْتَاعُ الْإِمَاءَ وَ تَنْكِحُ النِّسَاءَ مِنْ مَالِ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ، الَّذِينَ آفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْأَمْوَالُ، ... فَاتَّقِ اللَّهَ، وَ ارْزُدْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ... لَأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ!» (نامه/۴۱).

ای کسی که به عقیده ما در شمار خردمندان بودی چطور غذا را به راحتی فرومی‌بری ... درحالی که می‌دانی حرام می‌خوری؟ ... و از مال یتیمان و فقرا و مؤمنان و مجاهدانی که خداوند این اموال را به آن‌ها بخشید کنیزان را می‌خردی و با زنان ازدواج می‌کنی؛ ... پس از خدا بترس و به این قوم اموالشان را برگردان؛ پس همانا اگر [این کار را] انجام ندهی ... قطعاً تو را می‌زنم با شمشیرم که هیچ‌کس را با آن نزد مگر اینکه وارد جهنم شد.

کنش گفتاری امام(ع) در امر کارگزارش به خداترسی مستقیم و با به‌کارگیری فعل امر اتقی است؛ اما آنچه که ذکرش ضروری به نظر می‌رسد، این است که مضمون عبارات قبل از فعل اتقی حاکی از آن است که امام(ع) این کارگزار را با یادآوری اعمال خطایش همچون خوردن مال حرام و خرید کنیزان با اموال دیگران و ازدواج با زنان توییح نموده، سپس وی را به ترس از خدا و برگرداندن اموال آن‌ها امر کرده است و در نهایت، او را در صورت عمل نکردن به دستورش تهدید به کشتن نموده است. با این توضیحات از محتوای عبارات انتهایی برمی‌آید که امام(ع) با توجه به عملکرد نادرست مخاطب کنش تهدید کننده وجهه را به‌کار برده است.

۳-۲-۲-۸. معاویه

ابو یزید معاویه بن صخر مؤسس سلسله اموی در شام است. (امینی، ۱۳۵۹: ۴۳) [که] چهل و دو سال عهده‌دار امارت و ولایت بود (بابایی آملی، بی تا: ۵۱۸) [او] از دیرباز [امام] علی(ع) را دشمن می‌داشت [و پس از] واقعه قتل عثمان با ایراد این شبهه که علی(ع) از یاری عثمان خودداری کرده، تمام گناه آن را بر عهده آن حضرت گذاشت و کینه استوارتر شد (همان: ۵۱۸).

در خطبه‌ها و نامه‌های مختلفی از نهج البلاغه درباره معاویه سخن به میان آمده است. امام(ع) در لابلای مطالب سه نامه ۳۰، ۳۲ و ۵۵ او را به تقوا و ترس از خدا امر کرده که از میان آن‌ها نامه ۳۲ بررسی می‌شود.

«وَأَزْدَيْتَ جَيْلًا مِّنَ النَّاسِ كَثِيرًا: خَدَعْتَهُمْ بِغَيْبِكَ، وَ أَلْفَيْتَهُمْ فِي مَوْجِ بَحْرِكَ، تَغْشَاهُمُ الظُّلُمَاتُ، وَ تَتَلَاطَمُ بِهِمُ الشُّبُهَاتُ، فَجَازَوْا عَنْ وَجْهِهِمْ ... وَ تَوَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ ... فَاتَّقِ اللَّهَ يَا مُعَاوِيَةُ فِي نَفْسِكَ، وَ جَاذِبِ الشَّيْطَانَ قِيَادَكَ.» (نامه/۳۲).

نسل زیادی از مردم را نابود کردی: با گمراه کردن آن‌ها را فریب دادی و آن‌ها را در موج دریایت افکندی درحالی که ظلمت آن‌ها را فرو پوشاند و شبیه آن‌ها را متلاطم کرد؛ بنابراین از مسیرشان صرف نظر کردند ... و روی گرداندند... پس ای معاویه درباره خودت از خدا بترس و افسارت را [از سمت] شیطان به سمت خودت بکش.

امام (ع) در این عبارات معاویه را خطاب کرده و ابتدا درباره کارهای ناپسند او مثل نابود کردن گروه بسیاری از مردم و فریشتان که منجر به گمراهی آن‌ها و رویگردانی ایشان از حق شد، سخن به میان آورده، سپس با کنش گفتاری مستقیم (فعل امراتَّقِ) او را به ترس از خدا فرمان داده ضمن اینکه با توهین به او در عبارت «جَاذِبِ الشَّيْطَانَ قِيَادَكَ» (افسارت را [از سمت] شیطان به سمت خودت بکش) وجهه اش را تهدید نموده است.

نتیجه گیری

این پژوهش نتایجی در پی داشت که اهم آن‌ها عبارتند از:

- بیان مستقیم نسبت به بیان غیرمستقیم در بیشترین شواهد کاربرد یافته است؛ با این وجود بیان مستقیم در اکثر شواهد تأثیر منفی بر وجهه مخاطب نداشته است؛ زیرا عواملی چون شگردهای تلطیف کننده، صمیمیت و فاصله اجتماعی اندک موجب حفظ وجهه او شده است این در حالی است که فقط در شواهد محدودی عواملی مثل عملکرد نادرست مخاطب سبب تهدید وجهه اش گردیده است.

- کاربرد بیان مستقیم در بیشترین شواهد از سوی بیان گر این است که امام (ع) با صراحت دیگران را امر به تقوا نموده است و از سوی دیگر نشان گر آن است که کنش بیانی و کنش منظوری در بالاترین درصد از شواهد با هم منطبق بوده اند.

- از آنجایی که موضوع تقوا در کتاب نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته و این کتاب در بردارنده متنی دینی است که در آن آموزه های برگرفته از قرآن به مخاطب القا شده است؛ بنابراین، شگردهای تلطیف کننده ای در کلام امام علی (ع) به کار رفته که متناسب با چنین متونی است.

منابع

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۹). **فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (بی تا). **شرح نهج البلاغه**، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: کتابخانه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- امینی، محمدهادی. (۱۳۵۹). **ترجمه اعلام نهج البلاغه**، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- انصاریان، علی. (۱۳۵۷). **الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه**، تهران: یاسر.
- بابایی آملی، ابراهیم. (بی تا). **فرهنگ اعلام نهج البلاغه**، قم: آیین دانش.
- عبدالکریمی، سپیده. (۱۳۹۶). **درآمدی بر زبان شناسی اجتماعی**، تهران: آوای خاور.
- ----- (۱۳۹۲). **فرهنگ توصیفی زبان شناسی اجتماعی**، تهران: انتشارات علمی.
- عبده، محمد. (بی تا). **شرح نهج البلاغه**، تحقیق عبدالحمید محمد محی الدین، قاهره: مطبعه الاستقامه.
- کوتلاکی، سوفیا. (۱۳۹۷). **نظام ادب، تعارف و مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی**، ترجمه زهرا فرخ نژاد و آذر دخت جلیلیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ناظم زاده قمی، سید اصغر. (۱۳۷۵). **جلوه های حکمت**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نجفی ایوکی، علی، حسین پور، معصومه و جعفر نژاد، صدیقه. (۱۳۹۴). «گونه های نزاهت در نهج البلاغه»، **پژوهشنامه نهج البلاغه**، شماره ۱۲، ۱۰۹-۱۲۸.
- وارداف، رونالد. (۱۳۹۳). **درآمدی بر جامعه شناسی زبان**، ترجمه رضا امینی، چاپ پنجم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و بوکا.
- یول، جورج. (۱۳۹۶). **کاربردشناسی زبان**، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- Brown, P. & Levinson, S. (1978). **Politeness; Some Universals in Language Usage**, Great Britain: Cambridge University Press.
- Hudson, R. A. (1996). **Sociolinguistics**, UK: Cambridge University Press.
- Meyerhoff, M. (2006). **Introducing Sociolinguistics**, London & New York: Routledge.
- Van Herk, G. (2012). **What is Sociolinguistics?**, UK: Wiley- Blackwell.